

دوتا ۳۶۵	در میان گذاشتن / ۶۹
	یک شاگرد آنچه را که از ارمیا- بخش ۲ - آموخته است، در میان می‌گذارد.
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. موضوع امروز این است: "یک شاگرد آنچه را که از ارمیا - بخش دوم ، آموخته است، در میان می‌گذارد."

"در میان گذاشتن فصل‌های منتخب از ارمیا." در هفته گذشته، فصل‌های ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۶ و ۳۷ را خواندیم و مورد تعمق قرار دادیم و در باره آنها دعا کردیم. اکنون از یادداشتهای خود استفاده خواهیم کرد تا حقایق مهم و درس‌هایی را از این فصل‌ها در میان بگذاریم.

(S) ارمیا ۳۰: ۵-۱۱ نبوتی است در باره بازگشت از تبعید و ظهور مسیحای پادشاه اول- آیات ۵-۷ به تشریح دآوری 'کنونی' خدا می‌پردازد. این بخش مصیبت قوم را در طول محاصره اورشلیم، درست پیش از تبعید یهودا به بابل در سال ۵۸۶ قبل از میلاد. به تصویر می‌کشد. این زمان، زمان مصائب یعقوب خواهد بود، زمان ترس و وحشت.

دوم- آیات ۸-۱۱ به تشریح نجات "آتی" خدا می‌پردازد. در آن روز نجات که در آینده فرا خواهد رسید، خدا یوغ بندگی را خواهد شکست و بندهای زندگی تحت سلطه فرمانروایان بیگانه و قوانین بیگانگان را خواهد گسست (۸). ایشان به جای اینکه بیگانگان را در بابل بندگی کنند، به عنوان قومی آزاد در سرزمین اسرائیل، خدا را خدمت خواهند کرد (۹). این حقیقت که خدا "نسل" ایشان را از سرزمینی دوردست باز خواهد آورد، نشان می‌دهد که تبعید تا نسل بعدی به طول خواهد انجامید و فقط نسل ایشان از بابل به اسرائیل باز خواهد گشت (۱۰) (۲۹: ۱۰). بعد از آن، خدا پادشاهان را از نسل داود به ظهور خواهد آورد و ایشان او را خدمت خواهند کرد (۹). و خدا تمامی ملت‌هایی را که ایشان نزد آنان بنده بودند، بالکل نابود خواهد ساخت (۱۱). این اشاره‌ای است روشن به بازگشت یهودا از تبعید بابل، و ظهور عیسی مسیح، و نیز دآوری نهایی ملت‌ها به هنگام بازگشت عیسی مسیح. ارمیای نبی، مانند تمامی انبیای عهدعتیق، تمام اعمال پر قدرت خدا در آینده را به شکل رشته‌کوه‌هایی در دور دستها می‌دید، بی‌آنکه قادر باشد فاصله میان یک رشته‌کوه را با رشته‌کوه بعدی تشخیص دهد. ارمیا مانند انبیای عهدعتیق، نبوت کرد که بازگشت اسرائیل از تبعید بابل و استقرار مجدد سرزمین اسرائیل بلافاصله منتهی به ظهور مسیحای پادشاه خواهد شد و بلافاصله بعد از این رویدادها، دآوری نهایی ملت‌های خدانشناس رخ خواهد داد. فقط در پرتو عهدجدید است که می‌دانیم ظهور مسیح ۵۰۰ سال پس از بازگشت از تبعید رخ داد و اینکه ۲۰۰۰ سال بعد از این رویداد، دآوری نهایی هنوز صورت نگرفته است.

(T) ارمیا ۳۰: ۱۲-۱۷ نبوتی است مربوط به از میان رفتن یهودا در مقام یک ملت و احیای مجدد ایشان در آینده. اول- آیات ۱۲-۱۵ به تشریح دآوری 'کنونی' خدا می‌پردازد. ملت یهودا به صورت مجازی همچون زنی توصیف شده که زخمی علاج‌ناپذیر و مهلک بر داشته است (۱۲). در گذشته، او عاشقان و فاسقان بسیار داشت، یعنی ملت‌های بیگانه‌ای که با آنها معاهده بسته بود و بر آنها برای دریافت کمک علیه آشور و بابل اِتکا می‌کرد. در روزگار ارمیا، وضعیت یهودا بسیار وخیم شده بود، زیرا این ملت‌ها او را رها کرده بودند تا هلاک شود (۱۴). یهودا همچون زنی بود مورد تمسخر و رها شده. کسی از حق او دفاع نمی‌کرد (۱۳). متحدان سابقش اهمیتی به وضع او نمی‌دادند. یهودا باید پی ببرد که اگر همه این اتفاقات برای او افتاده، همه با اجازه خدا بوده، تا او به خاطر گناهان بسیارش و خطاهایی که علیه خدا انجام داده، متنبه شود (۱۴-۱۵). دوم- آیات ۱۶-۱۷ به تشریح نجات الهی در آینده و دآوری می‌پردازد. خدا آگاه است که ملت‌های خدانشناس او را تمسخر می‌کنند، زیرا قوم او به تبعید رفته‌اند. آنها یهودا را "طردشده" می‌خوانند. تمسخر ملت‌های خدانشناس یکی از دلایلی است که خدا بار دیگر بر قوم خود رحمت خواهد کرد. از آنجا که این ملت‌های خدانشناس فکر می‌کنند که قوم خدا، دیگر وجود ندارد و کسی نیست به حساب ایشان رسیدگی کند، خدا خودش زخمهای قومش را شفا خواهد بخشید و سلامتی را به آنان باز خواهد گرداند. خدا قوم خود را نجات خواهد بخشید زیرا حرمت خود او در خطر است (۱۷). او کاری خواهد کرد که ملت‌های خدانشناس و ستمکار و آزارگر دچار همان مصیبتی شوند که قوم او شدند. ایشان نیز غارت شده، به تبعید خواهند رفت.

(S) ارمیا ۳۰: ۱۸-۲۲ نبوتی است در باره بازسازی اسرائیل و ظهور مسیحا اول- آیات ۱۸-۲۰ به تشریح بازسازی اسرائیل می‌پردازد. پس از بازگشت یهودیان از تبعید بابل، اورشلیم بازسازی خواهد شد و تعداد جمعیت ایشان فزونی خواهد یافت. ایشان بار دیگر همچون یک جامعه در حضور خدا گرد خواهند آمد و سرود خواننده، شادمانی خواهند کرد. اما ملت‌های خدانشناس و ستمکار مجازات خواهند شد.

دوم- آیه ۲۱ در قالب اصطلاحات بشری، به تشریح ظهور مسیحا می‌پردازد. مسیحا "رهبر" و "حاکم" اسرائیل خوانده شده؛ او از قوم اسرائیل بر خواهد خاست. خدا می‌فرماید که این حاکم را به حضور خود راه خواهد داد تا او بتواند به خدا نزدیک آید. این امری است استثنایی، چرا که خدا می‌پرسد چه کسی جرأت دارد به او نزدیک شود. هر بشر عادی‌ای گناهکار است و در صورت نزدیک شدن به خدا، خواهد مرد، زیرا خدای مقدس "آتش فروبرنده است" (عبرانیان ۱۲: ۲۹). اما این رهبر اسرائیل قادر است کاری را بکند که هیچ بشر دیگری نمی‌تواند انجام دهد: او می‌تواند به خدا نزدیک شود زیرا کاملاً

بی‌گناه است و برتر از هر بشر عادی است. او مسیحا است. در پرتو عهدجدید، می‌دانیم که عیسی مسیح در مقام شفیع و واسط میان خدا و انسان، به حضور خدا آمد. عبرانیان ۹: ۲۴-۲۶ می‌فرماید: «مسیح به خود آسمان داخل شد تا از جانب ما در پیشگاه خدا حاضر باشد... مسیح یک بار و برای همیشه در آخر زمان آمد تا جان خود را در راه ما فدا کند و تا ابد قدرت گناه را ریشه‌کن سازد.»

**سوم.** آیه ۲۲ به تشریح قوم جدید خدا می‌پردازد. این قوم، جدید خواهند بود، نه به‌خاطر اینکه از تبعید باز گشته‌اند، بلکه به‌خاطر کاری که مسیحا انجام خواهد داد. به‌خاطر کاری که مسیحا انجام خواهد داد، اسرائیل بار دیگر از رابطه آرمانی برخوردار خواهد شد: ایشان قوم خدا خواهند بود و خدای کتاب‌مقدس خدای ایشان خواهد بود. در پرتو عهدجدید، هم یهودیان و هم غیریهودیان که به عیسی مسیح ایمان آورند، قوم خدا خواهند بود و خدای کتاب‌مقدس قوم ایشان خواهد بود (دوم قرن‌تیاں ۶: ۱۶؛ اول پطرس ۲: ۹-۱۰). بر اساس عهدجدید، آنچه که به ایمانداران متعلق به اسرائیل در عهدعتیق وعده داده شده، به همه ایمانداران متعلق به تمامی ملت‌ها بعد از دوره عهدعتیق وعده داده شده است (دوم قرن‌تیاں ۱: ۲۰).

(T) ارمیا ۳۱: ۲-۶ نبوتی است مربوط به ملاقات میان خدا و قومش. این تشریحی است مجازی از بازگشت یهودیان از تبعید به سرزمین اسرائیل در زمان‌های آینده. «تمامی قبیله‌های بنی‌اسرائیل» (۱) یعنی اینکه بازمانده ده قبیله اسرائیل و بازمانده دو قبیله یهودا از تبعید باز خواهند گشت. در این تصویر مجازی گفته شده که ایشان مستقیم از بابل، از طریق صحرا، به سرزمین اسرائیل باز خواهند گشت (۲). ایشان از دور خداوند را خواهند دید که نزد ایشان می‌آید و می‌فرماید: «ای قوم من، همیشه شما را دوست داشته‌ام؛ با مهر و محبت عمیقی شما را بسوی خود کشیده‌ام» (۳). کلمه «همیشه» یا «ابدی» نه فقط به زمان، بلکه به ذات الوهیت نیز اشاره دارد. این امر به این حقیقت اشاره دارد که خدا اسرائیل را دوست داشته، نه فقط از آغاز تاریخ، بلکه به‌خاطر اینکه او خدای ایشان است. محبت خدا به ایمانداران متعلق به قوم اسرائیل بستگی به این ندارد که ایشان چه هستند، بلکه بستگی به این دارد که او خدای چه کسی است. او پس از مجازات گناهان اسرائیل، بار دیگر به ایشان رحمت خواهد فرمود. قوم اسرائیل احیا خواهد شد. ایشان همانند دختری جوان خواهند شد و به شادمانی خواهند پرداخت (۴). قوم اسرائیل بار دیگر تاکستان احداث خواهند کرد (۵) و دیدبانانی خواهند داشت که شب‌هنگام از مزارع نگهبانی خواهند کرد. و قوم اسرائیل دیگر بار به اورشلیم بر خواهند آمد تا اعیاد سالیانه را جشن بگیرند (۶).

(S) ارمیا ۳۱: ۷-۱۴ نبوتی است در باره احیای همه قبیله‌های اسرائیل **اول-** آیه‌های ۷-۹ به تشریح این وعده می‌پردازد که خدا «همه قبیله‌های اسرائیل» را نجات خواهد داد. همه ملت‌های جهان، از جمله مردمان «دورترین نقاط جهان» فرا خوانده شده‌اند تا به‌سبب کاری که خدا برای قوم خود، یعقوب خواهد کرد، شادمانی کنند. منظور از «دورترین نقاط جهان» سرزمین‌های واقع در کرانه‌های دریای مدیترانه است که از نقطه نظر قوم اسرائیل، دورترین سرزمین‌های دنیا هستند. اسرائیل، یعقوب خوانده شده که معنی آن «فریبکار» است و این نکته بر این امر تأکید دارد که اسرائیل شایستگی فیض خدا را ندارد. نام اسرائیل به‌معنی «گشتی‌گیرنده با خدا» است و بر این نکته تأکید دارد که قوم خدا «در نهایت چیره خواهد شد». نام‌های «یعقوب» و «اسرائیل» هر دو به همه قبیله‌های اسرائیل اشاره دارند. اسرائیل «سرآمد همه قوم‌ها» نامیده شده زیرا خدا ایشان را از میان همه ملت‌ها برگزید تا قوم خاص او باشند (عاموس ۶: ۱؛ تثنیه ۷: ۶). آن اسرائیلی که خدا نجات خواهد داد، «بازماندگان اسرائیل» خواهد بود؛ خدا این کار را با گرد آوردن و فدیة دادن ایشان، و رهایی دادندشان از دست کسانی انجام خواهد داد که از ایشان نیرومندترند. همه اعقاب ملت اسرائیل نجات خواهند یافت، بلکه فقط «بازماندگانی» از ایشان (۳: ۱۴). همه نسل ملت اسرائیل به خدا تعلق ندارند، بلکه فقط آنانی از قوم اسرائیل به قوم اسرائیل روحانی تعلق خواهند داشت که ایمان داشته باشند (رومیان ۹: ۶). تمامی وعده‌های خدا به «اسرائیل» برای نجات ایشان، در واقع فقط به اقلیتی از ایمانداران متعلق به اسرائیل داده شده.

خدا قوم اسرائیل را از سرزمین شمال باز خواهد آورد، یعنی از سرزمین‌های آشور و بابل که ایشان به آنها به تبعید رفته‌اند؛ علت کاربرد کلمه «شمال» این است که فقط از راه شمال می‌توان به آن مناطق دست یافت. خدا ایشان را با مراقبت و محبت هدایت خواهد کرد. خدا خود را «پدر اسرائیل» می‌نامد و افرایم را «پسر ارشد» خویش. هر گاه که نام «افرایم» در کنار نام «اسرائیل» ذکر می‌شود، مقصود اشاره به ده قبیله حکومت شمالی سابق اسرائیل است. نه فقط بازماندگان یهودا، بلکه بازماندگان آن ده قبیله نیز در نجات شکوهمند خدا شریک خواهند شد. افرایم و منسی فرزندان یوسف بودند، اما بر اساس وعده یعقوب در پیدایش ۴۸: ۵، ایشان همان جایگاهی را دریافت کردند که دو پسر مسن‌تر یعقوب داشتند. بر اساس اول تواریخ ۵: ۱-۲، ایشان حق نخست‌زادگی یا ارشدی را به‌خاطر گناه رئوبین در حق پدر خود، یافتند. بر اساس پیدایش ۴۸: ۱۹-۲۰، افرایم با اینکه پسر کوچکتر یوسف بود، اما جای نخست را دریافت کرد. به همین دلیل است که افرایم «پسر ارشد» خوانده شده است. این امر تأکید دارد بر اینکه خدا قطعاً ده قبیله حکومت شمالی اسرائیل را رها نخواهد کرد.

**دوم-** آیه‌های ۱۰-۱۴ به تشریح این وعده می‌پردازد که خدا سرزمین اسرائیل را به ایشان باز پس خواهد داد. خدا که قوم اسرائیل را در میان ملت‌های بیگانه پراکنده ساخته بود، خودش نیز ایشان را از آنجا باز خواهد آورد. ایشان را مانند چوپانی که گوسفندان را جمع می‌کند، گرد خواهد آورد. او آنان را از قدرت کسانی که ایشان را به بندگی در آورده بودند رهایی خواهد داد و به «صهیون» باز خواهد آورد؛ «صهیون» در اینجا نام دیگری برای سرزمین اسرائیل است. ایشان شادمان شده، از فراوانی غله و شراب و روغن و احشام و رمه بهره‌مند خواهند شد. همچون باغی خواهند بود که خوب آبیاری می‌شود و دیگر اندوهی نخواهند داشت. پیر و جوان، همه در شادی شریک خواهند شد. کاهنان خوراک فراوان خواهند داشت زیرا مردم قربانی‌های بسیار خواهند آورد. مردمان همگی از وفور نعمتی که خدا از سر فیض خدا عطا می‌فرماید، شادمان خواهند شد.

(T) ارمیا ۳۱: ۱۵-۲۲ نبوتی است در باره بازگشت آتی و دعوت به توبه

**اول-** آیات ۱۵-۱۷ به تشریح سوگ راحیل برای فرزندان در رامه می‌پردازد. راحیل همسر یعقوب پاتریاخ و مادر یوسف و بنیامین بود. افرایم نخست‌زاده یوسف بود و نماینده حکومت شمالی متعلق به ده قبیله اسرائیل می‌باشد. بنیامین کوچکترین پسر یعقوب بود و نماینده حکومت جنوبی متعلق به دو قبیله اسرائیل می‌باشد. رامه شهری بود در سرحد این دو حکومت. همچنین مکانی بود که نبوکدنصر اسرائیلیان را از آنجا به بابل تبعید کرد (۴۰: ۱). راحیل بسیار مشتاق بود صاحب فرزند شود. در اینجا به زبانی مجازی، راحیل در حالت سوگواری به تصویر کشیده شده، زیرا فرزندان او به تبعید رفته‌اند و فرزندی برایش باقی نمانده. این تصویری است غم‌انگیز از سرنوشت نهایی هر دو حکومت اسرائیل. خدا او را تسلی می‌دهد و می‌گوید که برای آینده‌اش امیدی هست. زحمتی که او در آوردن و پرورش فرزند کشید، اجر خواهد یافت. فرزندان او در آینده به موطن خود باز خواهند گشت.

**دوم-** آیات ۱۸-۲۰ به تشریح توبه افرایم می‌پردازد. در این دو آیه، قبیله‌های شمالی تأدیب الهی برای گناهان خود را می‌پذیرند و از خدا برای توبه خود طلب یاری می‌کنند. ایشان تصدیق می‌کنند که در گذشته، مانند گوساله‌ای نامطیع و سرکش و مهارنشده عمل کرده‌اند. از خدا درخواست می‌کنند که کاری کند که بر گردند. آنگاه بر خواهند گشت. به این شکل، تصدیق می‌کنند که بازگشتشان بدون احیای درونی و تولد تازه‌ای که ناشی از حاکمیت خدا است، عملی نخواهد شد. تصدیق می‌کنند که خدا ایشان را به توبه هدایت می‌کند و از زندگی گذشته خود عمیقاً شرمسارند. خدا به تصدیق ایشان پاسخ داده، اظهار می‌دارد که افرایم پسر او است و فرزندی است که از او شادمان است. و خدا می‌فرماید که ده قبیله شمالی را از یاد نبرده، بلکه خواهان توبه ایشان است.

**سوم-** آیه‌های ۲۱-۲۲ به تشریح دعوت ارمیا از افرایم و یهودا می‌پردازد تا هر دو بازگشت کنند. احتمال دارد که این نبوت در رامه انجام شده باشد، درست پیش از آنکه تبعیدها از آنجا به بابل برده شوند. ارمیا به تبعیدها توصیه می‌کند که بر سر راهشان به بابل نشانه‌هایی بر پا کنند، تا به‌هنگام بازگشت به اسرائیل، راه خود را باز یابند. سپس ارمیا از تمام دوره تبعید گذر می‌کند و تبعیدیان را طوری مخاطب قرار می‌دهد که گویی در بابل بسر می‌برند و از ایشان می‌خواهد تا به اسرائیل باز گردند. او به ایشان نصیحت می‌کند که دیگر تردید به خود راه ندهند، زیرا خدا امری نو پدید خواهد آورد. بازگشت یک ملت کامل از تبعید از نظر انسانی غیرممکن است. اما خدا غیرممکن را ممکن خواهد ساخت.

(S) ارمیا ۳۱: ۳۱-۳۴ نبوتی است در باره عهد و پیمان جدید

**اول-** عهد و پیمان قدیم. عهد قدیم متشکل بود از پیمانی که خدا با موسی و اسرائیل در کوه سینا بست. خدا پس از آنکه ایشان را از بندگی مصر رهایی داد، ده فرمان را به ایشان عطا کرد تا آن را همچون روشی برای زندگی در مقام قوم خدا نگاه دارند. اسرائیل با نهایت فلاکت قاصر آمدند و بارها و بارها به بت‌پرستی روی آوردند و بدینسان عهد قدیم الهی را شکستند. لذا به عهد و پیمان جدیدی نیاز بود که مانند عهد قدیم نباشد.

**دوم-** عهد و پیمان جدید. این عهد جدید نمی‌تواند به احیای قوم اسرائیل بعد از تبعید اشاره داشته باشد به این دلیل ساده که سایر نبوت‌های موجود در این فصل‌ها به احیای قوم اسرائیل می‌پردازد. نبوت‌های این فصل‌ها شامل اشاراتی به مسیحایی موعود نیز می‌باشد (۳۰: ۹، ۲۱-۲۲). ظهور مسیح موعود ۵۰۰ سال بعد از بازگشت از تبعید رخ داد.

به‌علاوه، تقابل و قیاس در ارمیا ۳۱ میان وضعیت اسرائیل قبل از تبعید و وضعیت ایشان بعد از تبعید نمی‌باشد. تقابل و قیاس میان عهد قدیم که خدا در گذشته در کوه سینا بست و عهد نوین که خدا در آینده به‌هنگام ظهور مسیح موعود خواهد بست می‌باشد. در کتاب مقدس هیچ جا احیا و تفقد از اسرائیل و بازگشتشان از تبعید رویدادی آنچنان عظیم تلقی نشده تا “عهد نوین” یا آغازی جدید برای قوم اسرائیل به‌شمار آید. بلکه هم نبوت‌ها و هم تاریخ عهدعتیق این برداشت را القاء می‌کنند که قوم اسرائیل پس از بازگشت از تبعید بابل، صرفاً به زندگی کردن با شریعت و معبد و کاهنان و لایوان و قربانی‌ها و این قبیل امور ادامه دادند، همانگونه که پیش از تبعید به این امور مشغول بودند. عهد و پیمان جدید نمایانگر آغاز یا تشکیل “قوم جدید خدا” می‌باشد.

و سرانجام، در پرتو عبرانیان ۸: ۸-۱۳ در عهدجدید، شکی نیست که این پیمان نوین به عهد جدیدی اشاره دارد که خدا به‌هنگام ظهور مسیح موعود خواهد بست. در پیمان قدیمی عهدعتیق، شریعت و احکام خدا بیرون از دل‌های انسانها، بر روی دو لوح سنگی نوشته شده بود. اما در پیمان نوین در عهدجدید، شریعت و احکام خدا در درون دل و فکر انسان نوشته خواهد شد. تقابل و قیاس میان اطاعت بیرونی یا درونی از شریعت نیز نیست، زیرا شریعت خدا که در دو لوح سنگی نوشته شده بود نیز قرار بود بر دل افراد حکمرانی کند. “تقابل و قیاس واقعی این است که پیمان قدیمی منتهی به ایجاد قوم قدیمی خدا می‌شد؛ در این پیمان، پیوندی که ایشان را در مقام قوم خدا به یکدیگر می‌پیوست کاملاً بیرونی و ظاهری بود، پیوندی که چیزی جز ملیت نبود. عهد و پیمان جدید منتهی به ایجاد قوم جدید خدا می‌گردد؛ در این پیمان، پیوندی که ایشان را در مقام قوم خدا به یکدیگر می‌پیوندد، درونی و باطنی است، که همانا تولد تازه باشد.” لذا می‌توان گفت که قوم پیمان قدیمی به‌واسطه “تولد” یا ملیت به یکدیگر پیوند داشتند، حال آنکه قوم پیمان نوین به‌واسطه “تولد تازه” به یکدیگر پیوند دارند. وجه مشخصه کسانی که به این قوم الهی ناشی از پیمان نوین تعلق می‌یابند، امری ظاهری نظیر ملیت یا مراسم و آیینهای خاص مذهبی نیست. وجه مشخصه آنان این است که خدا در حاکمیت مطلق خود، شریعت خود را در دل و فکر ایشان نوشته، طوری که بتوانند براساسی قوم خدا باشند. عامل تعیین‌کننده همانا کار درونی و باطنی خدا در دل و فکر انسانها خواهد بود؛ این سبب خواهد شد که ایشان رابطه‌ای شخصی با خدا داشته باشند و هر فرد شخصاً و از نزدیک خدا را خواهد شناخت. این است تقابل و قیاس واقعی میان پیمان قدیم و جدید. پیمان قدیم

موجب شد که قوم خدا در دوره عهدعتیق تشکیل شود. پیمان و عهد نوین، قوم خدا در دوره عهدجدید را تشکیل خواهد داد و این امر تا بازگشت عیسی مسیح ادامه خواهد یافت.

در عهد و پیمان قدیم، احکام از بیرون می‌آمد و می‌بایست در باطن پذیرفته شود. قوم خدا در عهدعتیق نمی‌توانستند به‌طور کامل به آن عمل کنند. انبیا مکرراً قوم اسرائیل را نکوهش کردند که خدا را نمی‌شناسند. در اشعیا ۱: ۳ می‌فرماید: "گاو مالک خود را و الاغ صاحب خویش را می‌شناسد، اما قوم اسرائیل شعور ندارد و خدای خود را نمی‌شناسد." ارمیا ۴: ۲۲ نیز می‌فرماید: "آنها مانند بچه‌های نادان و احمقند؛ برای بدی کردن بسیار استادند، ولی در خوبی کردن هیچ استعدادی ندارند." و هوشع ۴: ۶ نیز می‌فرماید: "قوم من نابود شده‌اند زیرا مرا نمی‌شناسند... شما قوانین مرا فراموش کرده‌اید، من نیز فرزندان شما را فراموش خواهم کرد." \*عبارت "آنگاه ایشان برآستی قوم من خواهند بود و من خدای ایشان" همواره اندیشه‌ای آرمانی در پیمان قدیم بود، اما هیچگاه نمی‌توانست در پیمان قدیم به‌طور کامل تحقق یابد. این اندیشه به‌طور کامل فقط در پیمان و عهد نوین تحقق می‌یابد. در طول پیمان نوین، نه فقط معلمان، بلکه تمامی قوم خدا شناختی واقعی از او خواهند داشت و او را شخصاً خواهند شناخت. مسیح گناهان ایمانداران را کفاره خواهد کرد و خشم مقدس خدا علیه گناه ایشان را فرو خواهد نشاند و ایشان را با خدا مصالحه خواهد داد (اول پطرس ۳: ۱۸).

**سوم-** پیمان نوین در اصل با ایمانداران متعلق به خاندان اسرائیل بسته شد، اما ایمانداران متعلق به تمام ملت‌ها را نیز شامل می‌شود. نبوت ارمیا هنوز بخشی از مکاشفه عهدعتیق بود. در طول دوره عهدعتیق، فقط اسرائیل قوم خدا بود. مسیح به‌هنگام ظهورش، شروع کرد به گرد آوردن گوسفندان گمشده اسرائیل (متی ۱۰: ۵-۷). او پس از مرگ و قیامش، شروع کرد به گرد آوردن گوسفندانش از هر ملتی در جهان (یوحنا ۱۰: ۱۶؛ ۱۲: ۳۱-۳۲). به‌هنگام مرگ عیسی، پرده معبد پاره شد، و این نشانه‌ای بود از اینکه عیسی مسیح تمامی مطالبات و اقتضاهای شریعت را به‌عمل آورده و آن را منسوخ ساخته است. اسرائیل جای خود را به کلیسا نداد، بلکه اسرائیل در کلیسا تداوم و بسط یافت تا همه ایمانداران را از هر ملتی در جهان شامل گردد. آنچه که انبیای عهدعتیق از آن آگاه نبودند، خدا آن را بر رسولان عهدجدید مکشوف ساخت، یعنی اینکه ایمانداران از تمامی ملت‌های جهان در پیمان جدید شریک و سهیم خواهند شد، به همان اندازه ایمانداران در میان قوم اسرائیل (افسیان ۲: ۱۱-۲۲؛ ۳: ۲-۶؛ غلاطیان ۳: ۲۸).

## (T) تکلیف برای هفته آینده

**اول.** هر روز وقت رازگهان داشته باشید و یک فصل از حزقیال را بخوانید. فصلهای انتخاب شده، عبارتند از حزقیال فصلهای ۱۸، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۷، ۳۸ و ۳۹. ملاحظات و تفرکات خود را در دفترتان یادداشت کنید. هفته‌ای یک بار، با یک دوست یا در یک مشارکت خانگی یا گروه شاگردی، کشفیات، آموخته‌ها، و برکات خود را در میان بگذارید.

**دوم.** کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی

[www.dota.net](http://www.dota.net) مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....

**سوم.** هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.